

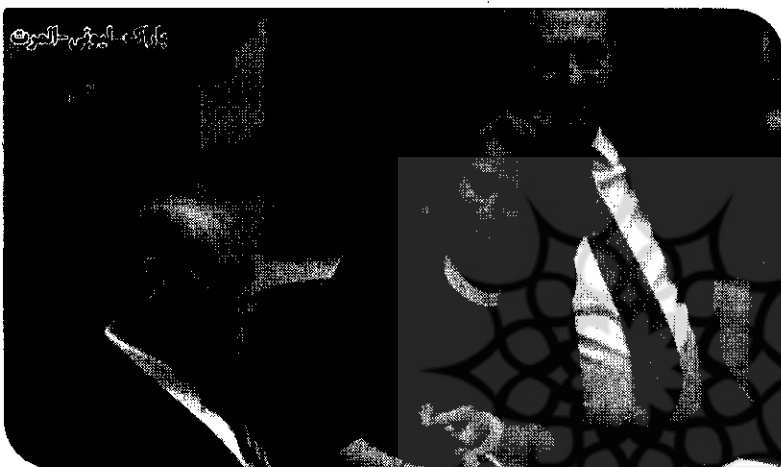
مقاله

گرنیکای* فلسطین و افسانه قربانی شدن اسرائیل

نویسنده: مصطفی برغوثی**

منبع: نیویورک تایمز (۲۷ دسامبر ۲۰۰۸)

برگردان: هدایت سلطانزاده



اگر یمن زمان وجود دارد که نیکی ساکت است! پیکار مرگ آفرین اسرائیل، در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ حدود ۱۱ صبح آغاز شد و از شب تا صبح ادامه یافت. به دنبال وعده اسرائیل مبنی بر اینکه "این تنها آغاز جنگ علیه وضعیت ترور است"، ریختن خون فلسطینی هادر چنین ابعادی (دست کم ۲۹۰ نفر) در یک روز واحد پس از جنگ ۱۹۶۷، بی سابقه بوده است. امار قم اجساد پاره پاره شده ای که از زیر آوار بیرون کشیده می شوند، به گونه ای دراماتیک زیاد است. معرو حین پیشین بر اثر زخم های خود کشته شده و بر تعداد تلفات انسانی افزوده می شود.

این، چیزی کمتر از یک جنایت جنگی نیست. با این همه، روابط عمومی اسرائیل با تمام ظرفیت خود مشغول دروغ پراکنی است. یکبار برای همیشه باید افسانه سازی آن را آشکار کرد.

۱- اسرائیل ادعا می کند که به اشغال نوار غزه در سال ۲۰۰۵ پایان داده است.

اسرائیل ضمن اینکه مهاجر نشین های یهودی را از باریکه ساحلی منتقل کرده، اما بر اشغال خود پایان نداده و همواره بر حمله ها و آدم کشی های خود ادامه داده است.

افزون بر آن، از سال ۲۰۰۶ به بعد، اسرائیل محاصره تمام عیاری را بر نوار غزه اعمال کرده است. به مدت دو سال، اهالی غزه در یک وضعیت شبه گرسنگی و بدون ابتدایی ترین وسایل و نیاز های زندگی، مانند روغن پخت و پز، نفت و امکانات اولیه دارویی به سر بردانند. محاصره اسرائیل تا کنون موجب فاجعه ای انسانی شده و تهاجم نظامی اسرائیل بر ابعاد این فاجعه نیز افزوده است.

۲- اسرائیل مدعی است که حماس به طور یکجانبه آتش بس را تقاضی کرده است.

طرف حماس، آتش بس را عایت کرده، مگر در مواردی که اسرائیل بر تهاجمات عمده خود در ساحل غزه ادامه داده است. به تازگی آتش بس در مواردی شکسته شده که اسرائیل با حملات

تمام مدت "پروسه صلح آنا پولیس"، اسرائیل همواره بر تشدید اشغال خود بر ساحل غربی افزوده است. در سال ۲۰۰۸، میزان خانه سازی برای مهاجر نشین ها در ساحل غربی رود اردن، ۳۸ درصد افزایش یافته و ۴۵۹۰ نفر از فلسطینی ها که بیشتر از ساحل غربی رود اردن بوده اند، دستگیر شده اند و تعداد پست های کنترل از ۵۲۱ به ۶۹۹ افزایش یافته است.

افزون بر این، از زمان آغاز مذاکرات صلح، اسرائیل ۵۴۶ نفر از فلسطینی ها را به قتل رسانده که ۷۶ تن از آنان کودکان بوده اند. این آمار هولناک، به گونه دراماتیکی افزایش یافت و تهاجمات پیشین اسرائیل نباید در میان صحنه وحشتی که آفریده است فراموش شود.

اسرائیل یک جوان فلسطینی مسالمت جو را در روستای نحلین به قتل رسانده و ده ها نفر دیگر را مجروح ساخته است. مسلم است که فلسطینی ها همچنان به تظاهرات قدرتمند غیر خشونت آمیز خود ادامه خواهند داد و ما امیدواریم که بر تعداد آنان در ساحل غربی رود اردن افزوده شود. اگر اسرائیل خواهان صلح با فلسطینی های خوب است، آنها درباره چه کسانی صحبت می کنند؟

خود گروهی از فلسطینی ها را به قتل رسانده و حماس به دنبال آن به واکنش تلافی جویانه ای پرداخته است. به عبارتی دیگر، حماس در تمامی مدت آتش بس، هرگز بدون تحریک اسرائیل، به حمله ای اقدام نکرده است.

با این وجود اسرائیل هرگز به تعهدات خود مبنی بر پایان دادن به محاصره و اجازه از سرگیری رسیدن کمک های حیاتی انسانی پایبند نمانده، بلکه به جای اجازه دادن به عبور ۴۵۰ کامیون در روز، تنها به ۸۰ کامیون در روز اجازه عبور داده و ۷۰ درصد مرز کاملاً بسته بوده است. در طول این مدت به اصطلاح «آتش بس»، اهالی غزه ناگزیر از زندگی مانند حیوانات بوده اند و هر روز به دلیل نداشتن وسایل بهداشتی، ۲۶۲ نفر از آنان مرده است.

پس از کشته شدن صدها نفر، این اسرائیل است که از وارد شدن به مذاکره بر آتش بس امتناع می کند. اسرائیل علاقه ای به صلح ادعایی خود ندارد. آنچه روشن است، اسرائیل خواهان تغییر رژیم در فلسطین به هر بهایی است.

۳- اسرائیل مدعی است که آن کشور خواهان صلح با فلسطینی های صلح جوست. پیش از قتل و کشتار در نوار غزه، و در



اسرائیل تنها از خود دفاع می کند.

دشوار است درگیری ای که خود اسرایلی آغاز کرده و دفاع از خود دانست، ولی آنها چنین ادعایی را ادامه می دهند. عمل دفاع از خود یک اقدام واکنشی است، حال آنکه عملیات اسرایلی نشان می دهد که آنها چنان عملیاتی را آشکارا با طرح و نقشه آغاز کرده اند. تنها مطبوعات اسرایلی از تبلیغات وسیعی که اسرایلی برای تأثیر بر افکار عمومی بین المللی برای حملات خود آغاز کرده است خبر می دهند، بلکه می خواهد فلسطینی ها را قانع سازد که حمله به معنی گشایش کو تا همدت عبور و مرور و یا موضوع گزارش در اجلاس بعدی نخواهد بود. آنها به این ترتیب می خواهند اطمینان بدهند که تلفات در حد اکثر خود خواهد بود و شهرزندان غزه برای قصابی شدن قریب الوقوع خود همیه نخواهند بود.

همچنین گمراه کننده است که به کارگیری چنین قدرت نابرابری را در این درگیری، دفاع از خود نامید. اسرایلی بزرگترین نیروی نظامی در منطقه و پنجمین قدرت نظامی در جهان است. افزون بر آن، اسرایلی چهارمین صادر کننده اسلحه در جهان بوده و مجتمع صنعتی نظامی آن توان رقابت با آمریکا را دارد. به عبارتی دیگر، اسرایلی همواره در مقیاسی عظیم، انحصار استفاده از قدرت و قهرا داشته است و همانند متحدان قدرتش، جنگ را بیشتر به عنوان وسیله ای برای نمایش تبلیغاتی خود در نشان دادن ابزارها به کار می گیرد.

اسرائیل مدعی است که تنها هدف های نظامی را مورد حمله قرار داده است.

در حالی که تصاویر اجساد تکه پاره شده زنان و کودکان در تمامی تلویزیون ها نشان داده می شود، اسرایلی با وقاحت تمام ادعا می کند که سلاح های دقیقاً نشانه گرفته آنان تنها تأسیسات نظامی را هدف قرار داده است. ما می دانیم که این ادعای کاذبی است و بسیاری از مراکز غیر نظامی، از جمله بیمارستان ها و مساجد مورد حمله آنان بوده است. بر پر جمعیت ترین نقطه کره زمین، چندین تن مواد

منفجره از آسمان فرو ریخته شده است. اسرایلی هزاران نفر مجروح برجای مانده را آسب های جنینی و یا مرگ های تصادفی می نامد. مضحکه و ناانسانی بودن چنین ادعاهایی باید جامعه جهانی را دچار انزجار کند.

اسرائیل مدعی است که حماس را مورد حمله قرار داده و نه مردم فلسطین را.

پیش از هر چیزی باید گفت که موشک بین اعتقادات و تعلقات سیاسی مردم تفاوتی نمی گذارد، بلکه هر آدمیزادی را در مسیر خود می کشد؛ این راهم اسرایلی می داند و هم فلسطینی ها، ولی آنچه اسرایلی می داند و آن را علناً نمی گوید این است که تا چه حدی موجب تقویت حماس و پیام مقاومت و انتقام آن می شود و آن را در پرتو اک خشم و رنج آنان می توان مشاهده کرد.

هدف های مورد حمله، یعنی پلیس و نه رزمندگان حماس، کلیدی برای فهم نیت خطای اسرایلی به دست می دهد. اسرایلی امیدوار است که با ایجاد فضای هرج و مرج، پایه های نظم و قانون در نوار غزه را از بین ببرد.

اسرائیل ادعا می کند که فلسطینی ها منشأ خشونت هستند.

بگذارید صریح و بی پرده سخن بگویم. اشغال فلسطین از جنگ ۱۹۶۷ به بعد، منشأ خشونت بین اسرایلی ها و فلسطینی ها بوده و هست. خشونت تنها با پایان دادن به اشغال و اعطای حق ملی و انسانی به فلسطینی ها می تواند پایان یابد. حماس کنترل بر ساحل غربی رود اردن ندارد، با این همه، ما تحت اشغال به سر می بریم و حقوق ما مورد تجاوز قرار گرفته و کودکان مابقتل می روند.

پس از روشن شدن افسانه بافی ها، بگذارید به دلایل واقعی پشت این حملات، که حتی انزجار آورتر از خود این عملیات هستند بپردازیم. رهبران اسرایلی، کنفرانس مطبوعاتی برگزار کرده، لباس سیاه بر تن کرده و آستین ها را بالا زده اند. آنها می گویند: وقت جنگ است، ولی آسان نخواهد بود.

برای اثبات اینکه این امر چقدر دشوار است، لیونی، اولمرت و باراک، حتی در کنفرانس مطبوعاتی خود آرایش و آراستگی ندارند و باراک به مبارزات تبلیغاتی خود برای پست نخست وزیری خاتمه داده و فقط بر نوار غزه متمرکز شده است. چه قهرمانانی و چه رهبرانی!

همه ما واقعیت را می دانیم: تعلیق تبلیغات انتخاباتی، دقیقاً همان تبلیغات انتخاباتی است. درست مانند مک کین که مبارزه انتخاباتی خود را متوقف کرده و به واشنگتن برگشت تا به بحران مالی بپردازد، و این عمل رهبران اسرایلی کمی بیش از تبلیغات محض است.

آنها باید سر سخت و محکم در رهبری به نظر برسند و ظاهر چیزی بهتر از غرور قدر خون ساختن فلسطینی ها نیست. لیونی در لباس سیاه و موی ناآراسته خود می گوید: منو نگاه کنید! من یک جنگجو هستم! آن قدر سر سخت هستم که ماشه تفنگ را بکشم. در رأی دادن خود، محکم تر از من نخواهید دید!

می دانید کمین بهی رحمی نتایهاو هستم؟

من نمی دانم کدام یک از آنان بلواساز ترند، لیونی یا باراک و یارای دهند گانسی که آنها می خواهند مورد خوشایندشان قرار گیرند. در نهایت، این امر امنیت مردم عادی اسرایلی را تأمین نخواهد کرد. در واقع، این کشتار در آینده، نسل تازه ای از داوطلبان عملیات انتحاری را به وجود خواهد آورد.

این عملیات، حماس را نیز تضعیف نخواهد کرد، و ثمری برای سه اسر سخت، باراک، لیونی و اولمرت نخواهد داشت. اقدام سیاسی نادرست آنان، احتمالاً به شکل سلبی محکمی به صورت خود آنان باز خواهد گشت، همان گونه که در حمله وحشیانه آنان در ۲۰۰۶ به لبنان نصیبشان شد.

در خاتمه، باید گفت که دلیل دیگری نیز در پشت عملیات نهفته است، چیزی که فراتر از مسائل درونی اسرایلی است: چرا به این حمله اجازه داده شده است؟ و آن عبارت است از پیچیدگی و سکوت جامعه جهانی!

اسرایلی نمی تواند بر خلاف منافع متحدین اقتصادی خود در اروپا و ایالات متحده نظامی خود در آمریکا عمل کند. اسرایلی می تواند با کشیدن ماشه سلاح، زندگی صدها و حتی هزاران انسان را از بین ببرد. لختی جهانیان و سکوت در برابر وارد کردن این مصیبت غیر انسانی بر فلسطینی ها است که اجازه می دهد چنین چیزی رخ دهد. امری بمن زمانی وجود دارد که نیکی ساکت است!

• گریکتام شهری در شمال اسپانیا است که در ۲۶ آوریل ۱۹۳۷ توسط بمب افکن های آلمان نازی بمباران شد.

• مصطفی برغوثی، دبیر کل ابتکار ملی فلسطین و طرفدار مبارزه غیر خشونت آمیز علیه اسرایلی، در ساحل غربی رود اردن است و این مقاله را در روز دوم حملات اسرایلی به نوار غزه نوشته است.